



m.ilbeigi@yahoo.fr

محمد حسین خسروپناه : سوسیال دموکرات یا کمونیست ؟

سوسیال دموکرات یا

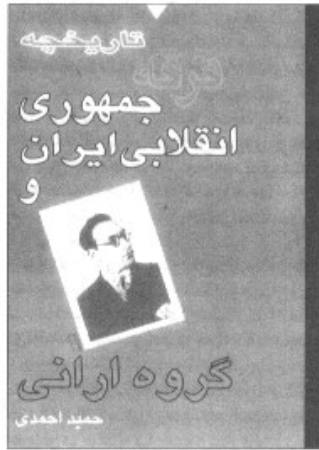
کمونیست ؟

محمد حسین خسروپناه

بروکسل و سیاست سوسیال دموکراتها موضوعی داشته و آن را مورد انتقاد قرار داده، (صص ۱۵ - ۱۴) بنابراین فرقه جمهوری انقلابی ایران که نمایندگان آن در کنگره بروکسل شرکت کرده حزبی سوسیال دموکرات است.

اگر مقدمه استدلال حمید احمدی صحیح بود می توانستیم با نتیجه گیری او موافقت کنیم، حال آنکه چنین نیست، زیرا برخلاف توضیحات احمدی، نمایندگان فرقه جمهوری انقلابی ایران و سلیمان میرزا اسکندری در کنگره سوسیال دموکراتها در بروکسل شرکت نکردند، بلکه آنان در اولین کنگره اتحاد ضدامپریالیستی، که در فوریه ۱۹۲۷ در بروکسل تشکیل شد شرکت نمودند. دلیل قاطع شرکت نمایندگان فرقه جمهوری انقلابی در این کنگره، مصاحبه دانیل مارتینی با احمد اسدی و مرتضی علوی در ۱۳ فوریه ۱۹۲۷ است که آنان دلایل شرکت خود را در این کنگره و توضیحی درباره دولت رضاشاه، نقش امپریالیسم انگلیس در ایران، اهداف فرقه جمهوری انقلابی، طرفداری مردم ایران از شوروی و... ارائه کردند. در اولین کنگره اتحاد ضدامپریالیستی، احمد اسدی و مرتضی علوی یک قطعنامه چهارماده ای در مورد ایران پیشنهاد کردند که با تغییراتی به تصویب کنگره رسید.

لازم به توضیح است که کنگره اتحاد ضدامپریالیستی هیچ گونه ارتباطی با سوسیال دموکراتها و بین الملل دوم (که در آن زمان بین الملل سوسیالیست کار نامیده می شد) نداشت، بلکه اتحاد ضدامپریالیستی سازمانی بود



تاریخچه فرقه جمهوری انقلابی ایران و گروه ار ائی. حمید احمدی. تهران: آتیه، ۱۳۷۹. ۲۲۸ ص. ۱۵۰۰۰ ریال.

در تاریخ معاصر ایران شاید کمتر مقوله ای را بتوان یافت که مانند تاریخ جنبش چپ ایران دچار ابهام و آشفتگی باشد. زیرا به رغم تلاش مستمر پژوهشگران، بخش عمده ای از تاریخ جنبش چپ ایران همچنان در حال ابهام است. این ابهامها و روایت های مختلف و متفاوت قرار دارد کمبود و ضروری برای پژوهش، به همراه الزامات و ملاحظات ناشی از منافع سیاسی فردی و گروهی از جمله مهمترین موانعی است که در برابر تدوین تاریخ جنبش چپ ایران قرار دارد. این قبیل معضلات و موانع در مورد برخی از مقاطع کمتر و در برخی دوره ها بیشتر است. دوره بیست و سه تا ۱۳۲۰ از مهم ترین و در عین حال از مهمترین مقاطع فعالیت چپ ایران است. یکی از علل اصلی پیش آمد چنین ابهاماتی در تاریخ جنبش چپ ایران بیش از آنکه به عملکرد و آرای گروه ها و گرایش های مزبور در عرصه سیاسی و اجتماعی جامعه ایران بازگردد، به مواضع آنها در قبال تحولات بین المللی، جنبش چپ مربوط می شود. در آن هنگام به رغم ظاهر متحد و یکدست جنبش جهانی کمونیستی و نقش هدایتگر مسکو و عامل اجرایی اش کمینترن، تشتت و اختلاف نظرهای جدی در حزب کمونیست شوروی و از طریق کمینترن در احزاب کمونیست دیگر کشورها وجود داشت. از این رو پژوهشگران این دوره از تاریخ جنبش چپ ایران در بررسی های خویش نباید ارتباط احزاب چپ را با جناح بندی های درون کمینترن و حزب کمونیست شوروی در نظر بگیرند و فعالیت چپ ایران را ارزیابی کنند.

تاریخچه فرقه جمهوری انقلابی ایران و گروه ار ائی که به بررسی یکی از مقاطع مهم این دوره اختصاص دارد، به رغم سعی و تلاشی جدی در یک بازنگری اساسی، بدین وجه امر توجه کافی مبذول نداشته است. در این پژوهش، حمید احمدی تلاش کرده است تا واقعیت های مربوط به دو گروه فرقه جمهوری انقلابی و گروه دکتر نفی ار ائی (معروف به پنجاه و سه نفر) را که تاکنون زیر آوار تحریف ها و کژنگری های آگاهانه و ناآگاهانه به درستی شناخته نشده است، (ص ۵) بررسی انتقادی کند و به چستی این دو گروه دست یابد.

۱. فرقه جمهوری انقلابی ایران در تاریخنگاری چپ ایران، فرقه جمهوری انقلابی ایران که در سالهای میانی دهه ۱۳۰۰ فعال بود در زمره تشکیلات پوششی حزب کمونیست ایران محسوب می شود. مثلاً خسرو شاکری معتقد است که حزب

کمونیست ایران به منظور تجمع همه اقشار و طبقات جامعه ایران، فرقه جمهوری انقلابی ایران را ایجاد کرد. اما حمید احمدی مدعی است که فرقه جمهوری انقلابی برخلاف آنچه تاکنون مطرح شده است، تشکیلی سوسیال دموکرات بوده است. احمدی برای اثبات نظریه اش دو دلیل زیر را ارائه می کند:

- ۱. شرکت احمد اسدی و مرتضی علوی، نمایندگان فرقه جمهوری انقلابی، در کنگره سوسیال دموکراتها در بروکسل، و ۲. موضع مجله ستاره سرخ، از گمان حزب کمونیست ایران در قبال فرقه جمهوری انقلابی ایران احمدی در توضیح دلیل اول می نویسد: «مرکزیت فرقه جمهوری انقلابی ایران برای برقراری ارتباطات و مناسبات با احزاب سوسیالیست و سوسیال دموکرات اروپا و حزب سوسیالیست ایران، فعالیت هایی را در این زمینه دنبال کرد، سلیمان میرزا اسکندری که به منظور شرکت در کنگره بروکسل به اروپا سفر کرده بود، با رهبران فرقه ملاقات کرد و امکان تبادل نظر و همکاری مشترک بین آنها فراهم گردید. از آنجا که سلیمان میرزا از یک دهه قبل در بین برخی از رهبران سوسیال دموکرات و سوسیالیست اروپا مانند کلوئسکی و ژورس به عنوان یک شخصیت سوسیالیست ایرانی، چهره شناخته شده ای بوده زمینه را برای شرکت نمایندگان فرقه جمهوری انقلابی در کنگره بروکسل فراهم کرد (ص ۱۴)

با توجه به اینکه از نظر کمینترن، سوسیال دموکراتها به صورت عمال امپریالیسم در کشورهای امپریالیستی و مستعمرات انجام وظیفه می کنند، (ص ۱۵) کنگره بروکسل به سختی از جانب کمینترن به انتقاد کشیده شد. حزب کمونیست ایران نیز نسبت به کنگره

مجموعه انتشارات قدیانی منتشر کرده است: مجموعه ۵ جلدی اقتصاد امروز. برای افزایش فروش: ۱-۱ راه برای کسب سود بیشتر، ۱-۱ راه برای نامتنگاری و نگارش تجاری، ۱-۱ راه برای رفتار حرفه ای در تجارت، ۱-۱ راه برای تبلیغ کالا. مترجم: علی ضرغام. سیاهی نویسنده و حاشیه های: خ انقلاب، رویه روی در صصی، دانشگاه خ لهریزی، ج خیابان زاهدی غربی، شماره ۲۰۰، تلفن: ۰۲۱-۶۲۰۹۲۱۰ خط، دورنگر: ۶۲۰۲۲۶۲

که در سال ۱۹۲۷ از سوی کمونیست‌ها و متحدانشان بر بنیان استراتژی جبهه متحد، مصوب کنگره چهارم کمیترون، تشکیل شد. این سازمان بین‌المللی که تا سال ۱۹۳۵ فعالیت می‌کرد می‌کوشید با سازماندهی روشنفکران کشورهای پیشرفته، احزاب و شخصیت‌های انقلابی کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره و... جبهه متحد بین‌المللی ضد امپریالیستی به وجود آورد. از اجزای که عضو اتحاد ضدامپریالیستی بودند می‌توان به کنگره ملی هند، حزب ناسیونالیست مصر، حزب ناسیونالیست اندونزی و... اشاره کرد.<sup>۲</sup>

کوشش همه جانبه کمونیست‌ها در تشکیل و هدایت این سازمان و حمایت‌های مادی و معنوی اتحاد شوروی از آن، هیچ‌گاه پوشیده نبود. از این رو کمونیست‌ها مخالفی با سازمان اتحاد ضدامپریالیستی نداشتند؛ فقط برخی از عناصر افراطی در میان کمونیست‌ها از شرکت احزاب و شخصیت‌های بورژوا در آن اظهار ناراضی می‌کردند که مورد توجه حزب کمونیست اتحاد شوروی و کمیترون قرار نگرفت. د. ز. مائوتسکی در پاسخ به منتقدان چپ‌رو اتحاد ضدامپریالیستی صریحاً اعلام کرد: «اگر اتحاد ضدامپریالیستی فقط احزاب کمونیست را در برمی‌گرفت، نسخه دوم کمیترون از آب درمی‌آمد و این تاکتیک مجاز نبود.»<sup>۳</sup> حزب کمونیست ایران نیز نه تنها مخالفتی با اتحاد ضدامپریالیستی نداشت بلکه از حامیان و مبلغان آن بود.<sup>۴</sup> دلیل دیگر احمدی برای اثبات سوسیالیسم دموکرات بودن فرقه جمهوری انقلابی ایران، استناد به بخشی از مقاله «احزاب و دستجات سیاسی در ایران» نوشته ر. پیمانی است از آنجا که این مقاله در ستاره سرخ، ارگان تئوریک حزب کمونیست ایران به چاپ رسیده است، به نظر حمید احمدی موضع این حزب را منعکس می‌کند. حال آنکه با توجه به تشتت نظری و عملی پیش گفته در نهضت کمونیستی آن دوره، شاید صحیح‌تر آن است که گفته شود این دید انتقادی مواضع یکی از جناح‌های درون کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران را بیان می‌کند نه کلیت کمیته مرکزی را؛ زیرا در شماره اول و دوم ستاره سرخ، ع. رهبر (احتمالاً مرتضی علوی) طی مقاله‌ای با عنوان نهضت انقلابی ایران‌پایان مقیم اروپا، بدون نام بردن از فرقه جمهوری انقلابی، از فعالیت‌های آن حمایت کرد و نسبت به اخراج احمد اسدی از آلمان به دلیل انتشار بیانیه فرقه جمهوری انقلابی به مناسبت ورود تیمورناتش به آلمان اعتراض نمود.<sup>۵</sup>

در مقاله مورد استناد حمید احمدی، درباره فرقه جمهوری انقلابی نوشته شده است که این فرقه یک سازمان دانشجویی بوده است و هیچ‌گونه ارتباطی با هیچ یک از توده طبقات جامعه ایران ندارد و بیشتر پروپاگاند آن در میان متورالفکرهای است که در اروپا به سر می‌برند. نویسنده مقاله خاستگاه اجتماعی فرقه را «بورژوازی صنعتی و طبقات بورژوازی کوچک» که از دولت رضاشاه ناراضی هستند تعبیر می‌کند (ص ۲۲) و ضمن نقد دیدگاه‌های مطرح شده در جزوه «بیان حق» - مهم‌ترین سند منتشر شده از سوی گروه مزبور در سال ۱۳۰۶ - نتیجه می‌گیرد که: «تجزیه وضعیت اجتماعی و

اقتصادی و سیاسی ایران که در این بیانیه شده است ممکن است در نظر اول مارکسیستی به نظر آید ولی با مطالعه دقیق می‌توان فهمید که این تجزیه خیلی از مارکسیزم دور است و بنابراین به هیچ‌وجه با نظریات مارکسیستی ارتباط ندارد» (ص ۲۲)

همان‌طور که پیشتر گفته شد، در زمان نگارش این مقاله، نگرش و استراتژی واحدی در کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران وجود نداشت. یک جناح به رهبری سلطانه از خط مائستی دفاع می‌کردند که در کنگره ششم کمیترون به تصویب رسیده بود. آنان در تحلیل شرایط سیاسی جامعه ایران بر این نظر بودند که برای فرقه کمونیست با هیچ یک از فرق و تشکیلات سیاسی بورژوازی بزرگ و کوچک تشریک مساعی ممکن نیست. فرقه به طور مستقل کارهای خود را ادامه داد. عناصر انقلابی را که عبارت از طبقه کارگر و زارع است برای انقلاب پرولتری تشکیل و تربیت خواهد کرد،<sup>۶</sup> و از جمله وظایف لازم‌الاجرای اعضای حزب را قطع هرگونه تشریک مساعی با احزاب و تشکیلات سیاسی طبقه بورژوازی کوچک (سوسیالیست‌ها و غیره) می‌دانستند.<sup>۷</sup> ناگفته نماند که نمونه دیگری از این استراتژی نیز یک بار در جریان نهضت جنگل از سوی جناح سلطانه به کار گرفته شده و ناگرای آن آشکار شده بود. اما جناح دیگر که در موضع اقلیت قرار داشت و افرادی مانند نیکبین، حسایی (دهزاد) و حسین شرقی از رهبران آن بودند از مصوبات کنگره چهارم کمیترون دفاع می‌کردند. این جناح مشغول مبارزه اجتماعی در جامعه ایران را مبارزه علیه اشراف فئودال و متحد آنان امپریالیسم انگلستان می‌دانستند و خواستار تشکیل جبهه متحد کارگران، بورژوازی و دهقانان بودند. به واقع این جناح همان نگرشی را مطرح می‌کرد که تشکیل فرقه جمهوری انقلابی را از آثار عملی آن می‌توان برشمرد و توضیح نظری آن نیز در جزوه «بیان حق» از سوی فرقه جمهوری انقلابی مطرح شده بود. در استناد انتخابات دوره هفتم مجلس شورای ملی (۱۳۰۷) رویارویی دو جناح حزب کمونیست علنی شد. جناح اقلیت که اکثر رهبران آن در ایران به سر می‌بردند با انتشار بیانیه‌ای با عنوان «ما از مجلس هفتم چه می‌خواهیم؟» شرکت حزب کمونیست ایران در انتخابات مجلس شورا را اعلام کردند. در این بیانیه از رأی‌دهندگان درخواست شده بود که به نمایندگان واقعی خود رأی دهند و از نمایندگان مجلس هفتم می‌خواستند که به تقاضاهای بیست و نه‌گانه حزب کمونیست که همگی در چارچوب قانون اساسی ایران قابل تحقق بود، جامعه عمل بپوشانند.<sup>۸</sup>

واکنش جناح اکثریت کمیته مرکزی در برابر این بیانیه بسیار تند و شدید بود. آنان با انتشار مقاله‌ای با عنوان «مجلس هفتم یا پارلمان پهلوی» در مجله ستاره سرخ و همچنین «مکتوب سرگشاده کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران به اعضای حزب»، از انتشار دهندگان بیانیه به شدت انتقاد کرده و آنان را «پورتونیست» و منعکس‌کننده منافع بورژوازی جدیدالولاده ایران و... نامیدند.<sup>۹</sup>

در بیانیه آذرماه ۱۳۰۸ نیز مدعی شدند که جناح اقلیت... به دام ظاهر سازهایی حکومت بورژوازی بزرگ و ملاکین گرفتار شده، از راه حقیقی انقلابی منحرف شده است.<sup>۱۰</sup> اما این بیانیه‌ها بر مقاله‌ها بر مواضع جناح اقلیت تأثیری نبخشید، هر چند دومین پلنوم کمیته مرکزی این حزب در بهمن ۱۳۰۸ مدعی شد که «فرقه توانسته است نظریات غلط و اشتباه‌آمیزی را که در فرقه پیدا شده بود (دز موقع انتخابات مجلس هفتم شورای ملی) کاملاً از سر بردارد»<sup>۱۱</sup> جناح اقلیت هم‌چنان در موضع خود

با این توضیحات مشخص می‌شود که مخالفت با مواضع فرقه جمهوری انقلابی فقط از سوی یک جناح در حزب کمونیست بوده است و جناح دیگر از همان مواضع دفاع می‌کرده است. ناگفته نماند که حمید احمدی به این اسناد و مدارک نه تنها دسترسی داشته است، بلکه از برخی از این اسناد در کتاب خود استفاده کرده و اختلاف‌نظر موجود در کمیته مرکزی حزب کمونیست را نیز توضیح می‌دهد. اما از آنجا که میل ندارد فرقه جمهوری انقلابی را مرتبط با حزب کمونیست بدانند این نتیجه می‌رسد که جناح اقلیت حزب کمونیست با هخط فکری و سیاسی فرقه جمهوری انقلابی ایران همسو شده بودند (ص ۲۶).

حال با توجه به این توضیحات، می‌توان این پرسش را مطرح کرد که آیا فرقه جمهوری انقلابی با حزب کمونیست ایران در ارتباط بوده است یا خیر؟ پاسخ حمید احمدی به این پرسش، منفی است. اما دکتر تقی ارانی از اعضای رهبری فرقه جمهوری انقلابی پاسخ دیگری به ما می‌دهد. دکتر ارانی در مورد چگونگی تشکیل فرقه جمهوری انقلابی می‌نویسد: «به واسطه زیاد شدن شاگردان ایران در آلمان، جمعیت محصلین ایرانی که سابقاً فقط برای تشکیل [مراسم] هیندوورز منعقد می‌شد به عنوان «انجمن ایران» تشکیل گردید از طرف دیگر مرتضی علوی که از همه شاگردان انقلابی‌تر بود داخل هیئت رئیسه شده و به‌تدریج علاوه بر جمعیت ظهرفری، یک جمعیت سزای هم به عضویت اشخاص ذیل: دکتر [علیقلی] اردلان، [غلامحسین] فروهر، محمود پوررضا، ابراهیم مهدوی، مرتضی علوی، مرتضی یزدی، احمد اسدوف، احمد فرهاد و تقی ارانی تشکیل شد. بعدها حاجی ابوالحسن علوی و منصور رکنی بدان اضافه شد. این جمعیت سزای به عنوان یک فرقه تشکیل شده، مرام آن حفظ اصول دموکراسی و تا حدی حزب ملی مختلط از اشخاص کاملاً متفاوت بود. البته این حزب ابتدا کمونیست نبود، فقط دو نفر کمونیست و دو نفر تا حدی سوسیالیست (پوررضا و مهدوی) و چند نفر بورژوا (بقیه) در آن موجود بود»<sup>۱۲</sup> این دو نفر کمونیست چه کسانی بودند؟ دکتر ارانی می‌نویسد: «من اولین دفعه کلمه مارکسیزم و کمونیزم را در سال ۱۳۰۲ از احمد اسدوف... در برلن شنیدم، پس از آن دوم کسی که کمونیست شناختم، مرتضی علوی از محصلین برلن بود»<sup>۱۳</sup> دکتر ارانی تصریح می‌کند که «مرتضی علوی جزء فرقه کمونیست بود»<sup>۱۴</sup>. دکتر مرتضی یزدی از اعضای رهبری فرقه جمهوری انقلابی نیز تأکید می‌کند که «سرشته‌های کارهای فرقه در دست مرتضی علوی و احمد اسدی بوده است»<sup>۱۵</sup>. با این توضیح مشخص می‌شود که این فرقه، جبهه فراگیری از کمونیست‌ها، سوسیالیست‌ها و ناسیونالیست‌های ایرانی بود که توسط اسدی و علوی تشکیل شد و این دو نفر به صورت فراکیون کمونیستی در آن فعالیت می‌کردند؛ شیوه‌ای که کمونیست‌ها همیشه از آن در فعالیت‌های مختلف اجتماعی استفاده کرده‌اند.

اما فعالیت فرقه جمهوری انقلابی به صورت یک گروه دوام نیاورد و «به واسطه متجاسس نبودن اعضا، این حزب به هم خورد. ولی مرتضی علوی باطناً به تنهایی مشغول شده، مقداری اوراق چاپ و منتشر کرد. سایر اعضا هم می‌دانستند که این کار از علوی است و در موقع لازم به او کمک پولی هم می‌کردند ولی تنها عامل این انتشارات مرتضی علوی بود. دو فقره از این انتشارات در نظر من است یکی به عنوان بیانیه و دیگری بر علیه تیمورناتش»<sup>۱۶</sup>

با توجه به توضیحات دکتر ارانی و دکتر یزدی، آیا باز هم در کتاب... بعداً توسط فرقه جمعیت انقلابی احزاب

نشر قطره منتشر کرده است.

**سفرنامه**

**پیتر و دل‌واله**

محمود بهفروری





